

ملاحظات در باب برخی نسخه‌های خطی

محمد کاظم رحمتی

مقدمه

بخش اعظمی از مطالب گردآوری شده در سنت تراجم‌نگاری، مطالبی است که نویسندگان آثار رجالی از نسخه‌های خطی مختلف گاه به خط مؤلفان استخراج کرده‌اند و در کتاب *ریاض العلماء* افندی به کرات مطالب مختلفی از انجمله‌ها یا صفحه عنوان‌های آثار مختلف خطی را می‌توان دید که افندی با نقل آن‌ها مطالب ارزشمندی را در اختیار ما قرار داده است. این شیوه را بعدها در تألیفات رجالی می‌توان دید، اما مشکل اصلی که در سر راه گردآوری اطلاعات از این دست و تدوین آن‌ها برای بهره‌گیری، به دشواری دسترسی به نسخه‌های خطی باز می‌گردد. اطلاعات آمده در ادامه نشان می‌دهد که دست‌کم از حیث گردآوری چنین اطلاعاتی چرا لازم است تا نسخه‌های خطی حتی فهرست‌شده به گونه‌ای در اختیار افراد مختلف قرار گیرد و هر کس متناسب با تجارب خود بتواند نکاتی را که از جنبه‌های مختلف نسخه‌شناسی قابل طرح است را بیان کند.

کثرت نسخه‌های خطی و کار دشوار نسخه‌گزینی برای تصحیح نسخه‌های خطی امری است که در باب برخی آثار پرنسخه به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع بر سر راه تحقیق خودنمایی می‌کند. از سوی دیگر پراکندگی فهرس نسخه‌های خطی و گاه فهرست شدن برخی آثار به عنوان مجهول یا عدم شناسی آن‌ها توسط فهرست‌نگاران، باعث عدم بهره‌گیری از نسخه‌های گاه مهم در تصحیح آثار خطی می‌شود. این مشکل اکنون به لطف انتشار فهرستواره دست‌نوشته‌های نسخه‌های خطی ایران (دنا) و تحریر مفصل‌تر آن فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) تا حد بسیاری مرتفع و یا حتی رفع شده است. در این میان کاری که شایسته اهتمام و توجه می‌باشد، انتشار اطلسی از خطوط شناخته‌شده عالمان و فقیهان مسلمان است که بر اساس آن بتوان در کار شناسایی نسخه‌های خطی بهره برد؛ هر چند توجه به کاتبان نسخه‌های خطی نیز در این میان اهمیت دارد. در حالی که تصور رایج آن است که کاتبان اشخاصی حرفه‌ای بوده‌اند که در قبال دریافت وجهی به کار کتابت نسخه‌ها می‌پرداخته‌اند. از آنجایی که شیوه مذکور نیازمند تمکن مالی بوده، بسیاری از عالمان امامی با توجه به وضعیت خود در بهره‌بردن از موقوفات، خاصه در قرون ششم تا دهم و پیش از صفویه و حتی در اوایل عصر صفویه، خود مجبور به کتابت نسخه‌های خطی بوده‌اند و از این رهگذار، توجه به خطوط آن‌ها می‌تواند در شناسایی نسخه‌هایی که آن‌ها کتابت کرده‌اند، به کار آید.

از چند مثال شروع می‌کنم. در تصحیح نسخه‌های خطی، نسخه‌های مقروء و دارای اجازه خاصه زمانی که فرد مجیز خود عالم برجسته‌ای باشد یا در بعد نسخه‌ای اخیر در اختیار عالم برجسته‌ای دیگر قرار گرفته باشد و او نیز آن را خوانده باشد و با نسخه‌ای دیگر مقابله کرده باشد، اهمیت فراوانی دارد. در مواردی خاصه به علت فرسودگی بخش‌هایی از انهاءات دال بر قرائت نسخه از میان می‌رود و باعث می‌شود که نتوان فردی که انهاء بر نسخه نوشته را شناسایی کرد. نسخه‌ای از تهذیب الوصول علامه حلی در کتابخانه مجلس به شماره ۱۱۵۸ مجموعه طباطبائی وجود دارد که بخشی از آن نونویس و دیگر بخش‌های آن به خطی کهن‌تر کتابت شده است. بخش نخست نسخه، دست خطی متفاوت دارد و حتی حواشی نیز به دست خط متفاوت از بخش دیگر نسخه که کهن‌تر است، کتابت شده‌اند. در حقیقت از صفحه ۸۷ به بعد بخش کهن‌تر نسخه است و صفحات قبل یا توسط کاتبی دیگر نوشته شده

يا در بعد بازنويسى شده است. به صفحهٔ انجام نسخه بازگرديم. متن انجامة نسخه اهميت خاصى دارد و بهتر است كه ابتدا متن آن را نقل كنيم:

تَمَّ الكتاب بحمد الله تعالى وعونه وحسن توفيقه وصلواته على سيدنا محمد النبى وآله الطيبين الطاهرين كتبه لنفسه افقر عباد الله تعالى الى رحمة وأحوجهم الى غفران ذنوبه وتجاوزة عن سيئاته، جعفر بن محمد بن ابراهيم بن حسام الشامى العالمى بمجلس المولى العلامة بل اوحده الدهر، فريد العصر، قدوة الافاضل، اقتخار الاواخر والاولى، عميد الملة والحق والدين عبدالمطلب الاعرج الحسينى.. الله جلالة فى العشر الاخير من شهر الجمادى الاول سنة احد وخمسين وسبعمائة.

كاتب نسخه جعفر بن محمد بن ابراهيم بن حسام شامى عاملى است كه مرحوم آقا بزرگ در *طبقات اعلام الشيعة: الضياء اللامع فى القرن التاسع*، ص ۹، ۲۳ چند مطلب کوتاه در خصوص او آورده است. به همان دليلى كه در قبل به آن اشاره شد عالمان امامى در سده‌هاى ششم تا دهم تا حدى به دليل عدم تمكّن مالى گسترده همانند همتايان سنى خود، مجبور به كتابت و استنساخ نسخه‌هاى خطى بوده‌اند. بخش دوم نسخه كه حواشى فراوان ترى دارد به احتمال قوى حواشى جعفر بن حسام عاملى بر كتاب تهذيب الوصول است كه او در مجلس درس خواهرزادهٔ علامه حلى از وي شنيده است و اهميت فراوانى دارد و بسيارى از اين تعليقات به سختى قابل خواندن است. نكتهٔ ديگر آنهائى است كه در کنار انجامة نسخه آمده كه بخشى از آن محو شده و آن چه كه از بخش موجود انهاء مى توان خواند، چنين است:

انهاء ايد الله تعالى قراءةً وبحناً وفهماً وضبطاً واستشراحاً فى مجالس آخرها...

پرسش اين است كه اين انهاء و بلاغ قرائت از كيست؟ چرا كه دست خط با دست خط جعفر بن حسام عاملى تفاوت دارد. توجه به دو نكته مى تواند مراد شناخت هويت احتمالى فردى كه انهاء مذکور را نوشته كمك كند. به نحو طبيعى يافتن دست خط مشابه و ديگرى محتوى خود انهاء است. به واقع دست خط مذکور شباهت بسيارى با دست خط شناخته شده شهيد ثانى دارد و از حيث مضمون و محتوى انهاء نيز شباهت نزديكى با متن انهاءات شناخته شده از شهيد ثانى دارد و اين مطلب كه نسخه را فردى عاملى كتابت کرده و نسخه در جبل عامل بوده، مى تواند در تأييد حدس مذکور، به عنوان قرينه‌اى تلقى شود.^۱

۱. براى توصيف نسخه بنگريد به: سيد محمد طباطبايى (منصور)، فهرست نسخه‌هاى خطى كتابخانه مجلس

شهید ثانی خود کتابخانه ای ارزشمند داشته که در آن حدود دویست کتاب به خط خودش بوده و کتاب های دیگری که او در طی حیات مبارکش گردآوری کرده است. کتابخانه مذکور در ایام زندگی او زمانی پس از ۹۵۶ که به جیب بازگشته مورد غارت قرار می گیرد و بعدها

شورای اسلامی: مجموعه اهدائی سید محمد صادق طباطبائی (تهران، ۱۳۸۸ ش)، ج ۲۴، بخش دوم، ص ۱۶۰. در کتابخانه آیت الله مرعشی، نسخه ای از کتاب تحریر الاحکام به شماره ۱۲۸۳۶ که در ۸۶۳ کتابت شده، موجود است که در آخر آن اجازه ای از محمد بن حسام به کسانی که کتاب را نزد او خوانده اند، آمده است: «قرء علی الشیخ الجلیل العالم الفاضل الورع الکامل برهان الدین ابراهیم ولد الشیخ المرحوم حسن الشقیفی طرفاً من هذا الکتاب قرأة مهذبة مرضیة قرأة بحث وتحقیق وفهم وتدقیق واجزت له روایت جمیعہ وجمیع مصنفات مصنفه الشیخ الامام العلامة جمال الدین بن المطهر قدس الله روحه الزکیة عن والدی عن عمی عن السید حسن بن ایوب الحسینی الشهیر بابن نجم الدین عن الشیخ فخرالدین والسید عمیدالدین عنه وجمیع مصنفات الشیخ نجم الدین ابی القاسم عن المصنف عنه وجمیع مصنفات العریف الماهر والبحر الزاخر شمس الدین محمد بن مکی قدس الله سره .. عنی عن والدی عن عمی عن السید المذكور عن الشہید فلیرو ذلك لمن شاء واحب فهو اهل لذلك وكتب اصغر عباد الله محمد بن الحسام حامداً مصلياً مستغفراً». نسخه اخیر در سال ۸۶۳ کتابت شده و در اختیار فردی به نام عبد الله بن مسیب مسلمی بوده است که تعلیقاتی بر آن نوشته است: «وقد فرغ من تعلیقه لنفسه عبد الله بن مسیب المسلمی الثامنة من شهر الله الاصب سنة ثمانمائة واربع وستون هجرية علی مشرفها السلام والحمد لله وحده». پس از آن نسخه در تملک شخصی به نام جمال الدین احمد بن الحاج علی بوده که وی نسخه را نزد محمد بن مؤذن خوانده است «انها لایده الله - قرأة وفهماً، اعنی الشیخ الفاضل برهان الدین ابراهیم المقری وفقه الله وایانا لمراضیه وجعل یومه خیراً من ماضیه - وقد أجزت له روایتہ عنی عن قرائته علیہ وهو الشیخ جمال الدین احمد بن الحاج علی - رحمه الله - عن مشایخه متصلاً الی المصنف - رحمه الله - وطلبت منه الدعاء فی خلواته وعقیب صلواته تقبل الله منه وكتب العبد الفقیر الی الله تعالی محمد بن المؤذن حامداً مصلياً مسلماً». برای توصیف نسخه و تصویر صفحه انجامة نسخه بنگرید به: فهرست نسخه های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ع)، ج ۳۲، ص ۵۸۷-۵۸۸، ۱۱۳۴. شمس الدین محمد بن محمد بن داود مؤذن جزینی در اجازه خود به علی بن عبد العالی میسی در ۸۸۴ در سخن از طریق خود در روایت کتاب تحریر الاحکام گفته: «... وأجزت له الروایة مع العمل بجمیع ماتضمنه کتاب التحریر من جملة مقرواتی وما علیہ من النقل وما فیہ من الفتاوی الخالیة من النقل، وأما الترددات والأنظار والاشکالات الخالیة من فتوی المصنف ومن علامة بخطی فلا یعمل بها، وهی قليلة فی الکتاب الذی قرأته، وهو بخط المصنف (ع) عنی عن الشیخ جمال الدین بن الحاج علی وعن الشیخ عزالدین حسن بن الفضل...». بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۳۶-۳۷. جمال الدین احمد بن حاج علی عینائی از جمله شاگردان ابن حسام بوده است و اطلاع اخیر نشانگر این نکته نیز هست که جمال الدین از جمله شاگردان ابن مؤذن نیز بوده است. بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۱، ص ۴۷. محمد بن محمد بن خاتون عینائی در اجازه خود به محقق کرکی، اجازه خود از جمال الدین احمد بن حاج علی عینائی را آورده است. بنگرید به: مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۲۰-۲۷.

بقایای کتابخانه شهید ثانی به کوشش نواده‌اش شیخ علی کبیر (علی بن محمد بن حسن بن زین‌الدین عاملی) به همراه کتابخانه خانوادگی شیخ حسن، و پدرش شیخ محمد و کتابخانه پدر بزرگ شیخ حسن، شیخ محیی‌الدین به ایران منتقل شده است. کتابخانه شیخ علی کبیر تا زمان صاحب ریاض العلماء در اصفهان موجود بوده و برخی از اعقاب شیخ علی کبیر که در اصفهان می‌زیسته‌اند، به حفظ و نگهداری کتابخانه مذکور اهتمام داشته‌اند. در خصوص کتاب‌های کتابخانه شهید یک نکته دیگر را نیز باید افزود؛ زمانی که شهید ثانی در تاریخی میان ۱۰ تا ۱۵ شوال ۹۶۴ دمشق را ترک کرده و همراه با کاروان‌های حج به مکه رفته، تعدادی از کتاب‌های خود را همراه داشته است. در خصوص این که چه برسر کتاب‌های شهید ثانی هنگامی که مقامات عثمانی او را در همان شهر بازداشت کرده‌اند، آمده، اطلاعی در دست نداریم جز آن که اکنون نسخه‌ای از کتاب رفع الحجب و فتاوی قواعد در چند برگ به دست آمده که حسین بن عبدالصمد در ۹۴۳ زمانی که با شهید ثانی برای تحصیل به قاهره رفته‌اند، کتابت کرده و بعدها نسخه را به شهید ثانی، به عنوان هدیه بخشیده است (شاید در ۹۵۵ زمانی که از شهید در بعلبک جدا شده و زمانی که شهید به جبع بازگشته و حسین بن عبدالصمد به عراق رفته). شهید به کتاب اخیر به عنوان یادگاری از دوست عزیزش توجه داشته و آن را با خود در ضمن کتاب‌هایی که همراه داشته، به مکه برده است. نسخه اخیر پس از شهادت شهید ثانی در اختیار ملا محمود لاهیجانی قرار گرفته و او نسخه را با خود از مکه خارج کرده است (از نسخه اخیر تصویر در مؤسسه شیعه‌شناسی موجود است).^۱

از نسخه‌هایی که شیخ محیی‌الدین که به احتمال قوی باید شیخ محیی‌الدین بن احمد بن تاج‌الدین میسی (زنده در ۹۵۴) باشد، تا به حال سه نسخه شناسایی کرده‌ام.^۲ در کتابخانه

۱. درباره ملا محمود لاهیجانی و آن چه که درباره او می‌دانیم بنگرید به: محمد کاظم رحمتی، «نکاتی درباره ملا محمود لاهیجانی از شاگردان گمنام شهید ثانی»، جشن نامه استاد سید احمد حسینی اشکوری، به کوشش رسول جعفریان (تهران، نشر علم، ۱۳۹۲ ش)، ص ۵۱۹-۵۳۶.

۲. درباره محیی‌الدین بن احمد بن تاج‌الدین عاملی میسی مطالب چندانی در دست نیست. حر عاملی (متوفی ۱۱۰۴) در امل الآمل (ج ۱، ص ۳۱) در اشاره به او تنها نوشته است: «الشیخ محیی‌الدین (بن) أحمد بن تاج‌الدین العاملی المیسی؛ کان فاضلاً زاهداً عابداً، استجاز منه فضلاء عصره ومنهم مولانا محمود بن محمد الکیلانی فأجازه سنة ۹۵۴». افندی نیز در ریاض العلماء (ج ۵، ص ۲۰۶) به شکلی مختصر در اشاره به محیی‌الدین میسی نوشته است: «الشیخ محیی‌الدین بن أحمد بن تاج‌الدین العاملی المیسی؛ کان عالماً فاضلاً

ملی مجموعه نسخه‌ای به شماره ۲۶۲۱/ع موجود است که مشتمل بر چهار رساله است و معرفی از آن در فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به قلم استاد محترم آقای حبیب‌الله عظیمی (ج ۱۳، ص ۲۹-۳۱) آمده است. رساله اول که در خصوص احکام صداق است توسط فهرست‌نگار محترم مجهول‌المؤلف معرفی شده هرچند در انجامة آن به صراحت نام محیی‌الدین بن احمد بن تاج‌الدین به عنوان نویسنده آمده و گفته شده است:

هذا ما تيسر جمعه في هذه المسئلة مع ما تيسر فيها من النكت واللواحق مع قلة البضاعة في هذه الصناعة والله مستجبه ولي العفو والقبول وحسبنا ونعم الوكيل تحريراً في عشية الثلاثاء والتاسع عشر ليلة الحجة الحرام من سنة ۹۵۴ بالمشهد المقدس الرضوى على مشرفه الصلوة والسلام بقلم احقر العباد محيي الدين بن احمد بن تاج الدين لطف الله بهم بمحمد وآله والطاهرين.

پس از رساله اخير، سه رساله از آثار شهيد ثانی يعنى المقاصد العلية فى شرح الرسالة الالفية، تنايح الافكار فى حكم المقيمين فى الاسفار ورسالة فى تيقن الطهارة والحدث و الشك فى السابق آمده است. دست خط نسخه در برگ ۲۷ الف تغيير کرده است و تا برگ ۳۴ ب به خطی ديگر است و پس از آن با نسخه به خط میسى ادامه یافته هرچند برخی از

عابداً من تلامذة الشهيد الثاني». اجازه‌ای که شيخ حر عاملی از آن سخن گفته، به طور کامل در بحار الانوار (ج ۱۰۵، ص ۱۷۳-۱۷۴) آمده است. ملا محمود لاهیجانی پيش از رجب ۹۵۳ در بعلبک زمانی که شهيد ثانی در مدرسه نوريه به تدریس مشغول بوده، به آن جارسیده و شهيد ثانی اجازه‌ای که پيش‌تر در ۹۴۱ به حسين بن عبد الصمد حارثی عاملی داده را به او نیز اجازه داده است. در اواخر ربيع الثانی ۹۵۴ زمانی که محیی‌الدین میسى در کربلاء بوده، با ملا محمود گیلانی دیدار می‌کند و ملا محمود گیلانی از وی تقاضای دریافت اجازه می‌کند. میسى که در راه سفر به مشهد بوده در پاسخ به درخواست ملا محمود گیلانی به او اجازه‌ای کوتاه داده و در آن مشايخ خود را نخست شهيد ثانی (شيخنا الأعظم الاجل خاتمة المجتهدين) معرفی کرده و به اجازه مشهور او به حسين بن عبد الصمد نیز اشاره کرده و همان طرق مذکور در اجازه را طريق خود معرفی کرده است. هم‌چنین او ديگر استاد اجازه خود را زين‌الدین فقعهانی معرفی کرده و گفته که او از محقق کرکی (متوفی ۹۴۰) اجازه داشته که او خود شاگرد شهاب‌الدین احمد بن خاتون عینائی بوده است که دو طرق ذکر شده، طرق اصلی روایت در میان شيعيان است. در کتاب‌های تراجم‌نگاری متأخر شيعه مطالب چندانی در خصوص محیی‌الدین میسى در دست نبوده و نسخه حاضر نیز به دليل آن که تنها در سالیان اخير فهرست شده، مورد توجه قرار نگرفته است. آقابزرگ در طبقات اعلام الشيعة: احياء الدائر من القرن العاشر، ص ۱۸ و ۲۴۵ از محیی‌الدین میسى یاد کرده و تنها همان مطالب مذکور توسط شيخ حر عاملی و افندی درباره میسى را آورده است.

حواشى با دست خط ديگرى در اين بخش نيز قابل مشاهده است. المقاصد العلية در برگ ۱۲۴ ب پايان يافته و محبى الدين ميسى اشاره کرده که او خود شخصى است که بر نسخه تعليقاتى به علاوة کتابت آن نگاشته است. متأسفانه در تصحيح المقاصد العلية از نسخه اخير استفاده نشده است.

فرغ من تعليقاتها لنفسه اضعف العباد الراجى المسامحة بيباض صحيفته مما رقه فى هذه الظروف من السواد والمؤمل المراجعة باعتياض صنفته بما نظمه... النقوش اهل الانتقال ضاحى نهار الجمعة الجامعة لاشتات فضائل الاعياد تاسع عشر شهر ربيع الاخر من سنة ثلاث وخمسين وتسعمائة من الهجرة امجد الامجاد صلى الله عليه وعلى آله واصحابه والتابعين الى يوم التناد محبى الدين بن احمد بن تاج الدين العالمى عومل بالطف والانتباد.

در پايان رساله سوم، يعنى نتايج الافكار، محبى الدين در انجامة خود نوشته است: «بقلم اضعف العباد محبى الدين بن احمد بن تاج الدين تجاوز الله عن هفواته وصفح عن زلاته» و در حاشيه عبارت بسيار مهم «بلغ عرضا بالاصل» آمده که نشانگر آن است که ميسى نسخه خود را از روى نسخه شهيد ثانى کتابت و با آن مقابله کرده است. انجامة نسخه نتايج الافكار که ميسى نقل کرده تفاوت خاصى با انجامة موجود در تصحيح رساله نتايج الافكار (رسائل الشهيد الثانى، ج ۱، ص ۳۳۳) ندارد جز آن که سه کلمه آخر در انجامة اخير «والحمد لله وحده» به جاي «اللهم اتم بخير» در متن چاپى است. پس از نقل انجامة شهيد ثانى که اهميت آن نشانگر کتابت نسخه از روى نسخه اصل مؤلف است، ميسى در تأکيد بر اين که نسخه را از روى خط شهيد ثانى کتابت کرده، چنين نوشته است:

صورة خط المؤلف ادام الله تأييده واجزل من كل فضل حظّه ومزیده وكشف له عن غوامض حكمه ودقائق حكمه واقضيته انه ولى حميد تحريراً فى اوائل رجب المرجب من شهر سنة ثلثة وخمسين وتسعمائة بقلم اضعف العباد محبى الدين بن احمد بن تاج الدين تجاوز الله عن هفواته وصفح عن زلاته.

ميسى در پايان رساله آخر (تيقن الطهارة) تنها نوشته است که «من تحقيقاته دام فضله و شرفه». نسخه مهم ديگر که به خط ميسى است، نسخه اى مهم از كتاب الرعاية است که ميسى آن را در ۹۶۲ کتابت کرده و در کتابخانه مجلس شوراى اسلامى نگهدارى مى شود.

تطابق خط نسخه اخیر با نسخه الرعاية مجلس نشانگر اصل بودن نسخه هاست (شماره ۸۷۴۸).

انجامه نسخه اخیر بسیار مهم و شایسته تأمل بیشتری است. همان گونه که گفته شد در امر کتابت نسخه های خطی، کاتبان سعی می کرده اند حداقل امکان از نسخه اصل مبیضة مؤلف بهره بگیرند و این نکته به عنوان یکی از نکات جدی در کتاب نسخه مورد اشاره کتاب های جامع در امر تعلیم و تعلم هم چون الدرالنضید فی أدب المفید والمستفید بدرالدین غزی (متوفی ۹۸۴) و منیه المرید فی أدب المفید والمستفید شهید ثانی (متوفی ۹۶۵) نیز بوده است. انجامه شهید ثانی که در این نسخه نقل شده، تفاوتی با انجامه چاپ شده الرعاية به تحقیق عبدالحسین محمد علی بقال (قم، ۱۴۰۸) ندارد جز دو مورد. در حاشیه میسی در توضیح معنی هزيع به نقل از شهید ثانی یادداشت کوتاهی آورده است (هزيع الشیء، طائفة منه نحو الثلث او الربع قاله الجوهري. منه). پس از آن باز میسی تأکید بر در اختیار داشتن نسخه اصل و به خط شهید ثانی در کتابت نسخه خود کرده و چنین نوشته است:

صورة خط المصنف ادام الله تعالى ايامه وجلاله وبسط على مفارق العالمين اكرامه وظلاله بمحمد وآله المتحلين تجلته المصفين ضلاه باليد الفانية الجاثية الطامغة الراجية من العبد المحتاج الى مزيد العفو محيى الدين بن احمد بن تاج الدين الميسى العالمى عاملهم الله بمجزيل الافضال بمحمد وآله... من رجب سنة اثنين وستين من بعد تسعمائة والحمد لله رب العالمين وصلوة والسلام على محمد وآله وصحبه اجمعين.

در حاشیه بلاغ مقابله نسخه آمده که بخشی از آن در صحافی از بین رفته و آنچه که می توان خواند چنین است:

بلغت مقابله بحس الجهد والطاقة الا ما زاغ عنه البصر وحسر عنه النظر وذلك فى مجالس متعددة كان آخرها نهار... من شهور...

همان گونه که در تصویر نیز می توان دید، عبارت بزرگ وقف در انتهای نسخه به صورت مورب بر بخشی از نوشتار صفحه آمده است که شاید دلالت داشته باشد که زمانی که نسخه های شهید ثانی و میسی و دیگران افراد خاندان شهید به ایران در روزگار شیخ علی کبیر رسیده، او برای حفظ آنها، نسخه ها را وقف کرده باشد یا این که بعدها

کسى نسخه را وقف کرده است.^۱

صفحه عنوان نسخه‌هاى خطى

در بررسى نسخه‌هاى خطى، صفحه عنوان (ظهر) نسخه‌هاى خطى اهميت فراوانى دارد و اطلاعات فراوانى بر آن درج مى شده که ساده‌ترين آن ها تملک است. در صفحه عنوان نسخه‌اى از کتاب *مختلف الشيعة* علامه حلى (متوفى ۷۲۶) به شماره ۱۲۴۹۵ کتابخانه آيت الله مرعشى که وشاح بن على بن محمود بن موسى بن رامى (لامعى) بن دخوشى بن محمد بن على بن محمد بن موسى در سال ۷۲۴ کتابت کرده است. در صفحه عنوان نسخه اخير مطالب جالب توجهى آمده است. در بالاي صفحه عنوان به خط کاتب يعنى وشاح، در توصيف مجلد کتابت شده، چنين آمده است:

الجزء الرابع من كتاب مختلف الشيعة فى احكام الشريعة تصنيف المولى الشيخ الامام ملك الافاضل من بداء الدهر وحيد العصر مرجع الفضلاء مقتدى العلماء سراج الامة وارث الائمة جمال الحق والراى منصور الحسن بن الشيخ الفقيه المتعبد سديد الدين يوسف بن المطهر قدس الله نفسه وطيب رسمه بحق الحق والملة.

در پايان عبارت اخير مطلبى در خصوص بيع نسخه اخير آمده که فرد خريدار نسخه، عالم برجسته عصر صفوى، على بن هلال منشار کركى (متوفى ۹۸۴) است. عبارت بيع چنين است:

قد دخل هذا الكتاب الفقهى فى ممتلكات المحرم المكرم بركة الصلحائى الامم صاحب المواهب والاحسان الشهير بين الانام بـميرزا جان بن المرحوم المبرور المتوج المحبور الامير جمال الملة والدنيا والدين محمد الاصفهانى بالابتىاع الشرعى الصحيح المعتبر المرعى من الحسيب النسيب الاصيل اللبيب التقى النقى شمس الملة والدنيا والدين محمد بن المرحوم المختوم له بالسعادة الاخرية الحاوى للفضائل الدينية والدنيوية الشيخ تاج الملة والدين حسن الجامعى الجبل عاملى بـثمن معلوم محال به فى المجلس وكان ذلك فى الخامس من شهر ذى القعدة الحرام من سنى ست واربعين وتسعمائة وكتبه اقل عباد الملك العلى على بن هلال الكركى عامله الله بلطفه الخفى واقفا على ذلك...

۱ براى توصيف نسخه بنگريد به: سيد جعفر حسيني اشكوري، فهرست نسخه‌هاى خطى كتابخانه مجلس شوراى اسلامى (تهران، ۱۳۸۸ ش)، ج ۲۸، ص ۲۴۳.

در حاشیه پایین عبارت مذکور در سمت راست عبارت المنسوب الی... کتبه محمد بن حسن الجامعی عفی الله و «شهد بذلك اقل عباد الله الفقیر علی بن احمد الجبعی لطف الله به» آمده است. همان گونه که در گوشه سمت راست بالای صفحه عنوان می توان دید نسخه را در بعد کسی به نام حسان بن شیخ قاسم الدلبزی در روز چهارشنبه شعبان سال ۱۲۱۵ خریداری کرده است (اشتره حسان بن شیخ قاسم الدلبزی يوم الرابع فی شعبان سنة ۱۲۱۵).

عبارت اخیر نمونه ای جالب توجه از بیع نسخه های خطی است که بر همان الگوی شرعی بیع یعنی حضور دو گواه عادل نیز در آن به چشم می خورد (برای توصیفی از نسخه بنگرید به فهرست مرعشی، ج ۳۱، ص ۵۳۶-۵۳۷) که در آن هویت علی بن هلال کرکی که همان علی بن هلال بن منشار کرکی شاگرد برجسته محقق کرکی (متوفی ۹۴۰)، شیخ الاسلام اصفهان و پدرزن شیخ بهایی است، مورد توجه قرار نگرفته است.

محمد بن علی جبائی و چند نکته ای درباره آن

در جریان تحقیق و پژوهش زندگی شهید ثانی، با نامی برخورد کردم به نام محمد بن علی جبائی که البته گاه به صورت جبانی یا حیانی نیز یاد شده و شهرت اصلی او در نقل روایی است که در کتاب الدر المنثور و پس از نقل مطالبی از کتاب بغیة المرید ابن عودی، شیخ علی کبیر خواب اخیر را به اوراق باقی مانده از کتاب ابن عودی متصل بوده، آورده و البته دقیقاً دانسته نیست که خواب مذکور بخشی از کتاب ابن عودی بوده یا خیر؟ (الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۹۲، پانویس ۱). اما محمد بن علی جبائی کیست و اصلاً تلفظ صحیح نام او چیست؟ و شهرت او به جبائی تصحیف حیانی یا جباعی نیست؟ خوشبختانه نکاتی در خود خواب نقل شده، وجود دارد که می تواند تا حدی در این خصوص به ما کمک کند. اول آن که خواب نقل شده در کتاب الدر المنثور (ج ۲، ص ۱۹۲-۱۹۷) از آغاز اندکی افتادگی دارد و متن کامل خواب در ریاض العلماء (ج ۲، ص ۳۷۷-۳۸۱) نقل شده است. مرحوم سید محسن امین در اعیان الشیعة، اظهار کرده که نام جبائی تصحیف نام حیانی در اشاره به روستای بنی حیان در جبل عامل است و فرد اخیر را یکی از عالمان عاملی معرفی کرده با این حال در خواب نقل شده محمد بن علی جبائی تصریح کرده که او بعد از سفری طولانی و تحمل دشواری های فراوان به جزین رسیده است (...أنا وصلنا بعد مشقة الاسفار ومقامات الاخطار الی قرية جزین...، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۷۷) که دلالت روشنی دارد که او اهل جبل عامل که وی به



تصريح آن جا را بلاد غربه (الدرالمشور، ج ۲، ص ۱۹۲) نام برده، نيست؛ کما اين که در جايى ديگر از خواب او اشاره به خوراک متداول در زادگاهش، خرما و شير دارد که نشانگر عدم تعلق او به جبل عامل است (الدرالمشور، ج ۲، ص ۱۹۵). براساس چند مطلب اخير فرض جبل عاملی بودن فرد اخير منتفی است و برای يافتن صورت صحيح شهرت او، جبائی، حيانی، جبانی نبايد به دنبال نام تصحيف شده مکانی در جبل عامل فکر کرد. خوشبختانه چند نسخه خطی در دست است که کاتب آن ها همين فرد مورد بحث يعنی محمد بن علی جبائی است از جمله نسخه‌ای از کتاب تحفة الفتى فى تفسير سورة هل اتى که با عنوان تفسير سورة الانسان نیز شناخته می شود و نویسنده آن غياث الدين منصور بن محمد دشتکی شیرازی است. تفسير تحفة الفتى براساس چند نسخه منتشر شده است (به تحقيق خانم پروين بهارزاده، ميراث مکتوب، ۱۳۸۱) و البته از نسخه مورد بحث با وجود قدمت آن استفاده‌ای نشده است. نسخه اخير که با عنوان تفسير سورة الانسان معرفی شده در کتابخانه آيت الله مرعشی نجفی به شماره ۱۱۲۵۲، رساله اول مجموعه اخير ثبت شده است. در انجامة نسخه اخير که تصويری از آن در فهرست نسخه‌هاى خطی کتابخانه آيت الله مرعشی، جلد ۲۸، ص ۷۶۹ نیز آمده، انجامة نسخه چنین است:

قد تشرف بشرف كتابة تفسير سورة الانسان الذى الفه من هوانسان العين وعين الانسان واحكم الحكماء واعلم العلماء من زمن آدم ﷺ الى الآن - خلد الله ظلال افادته على مفارق علماء الزمان وجعله كاسمه السامى غوثاً للعالمين - غياثاً للعالمين منصوراً لاحكام احكام القرآن باصح وجه واوضح بيان المفتقر الى رحمة ربه الولی عبده محمد بن علی الجبائی غفر الله ذنوبها بحمد وآله و كان ذلك فى المدرسة الغياثية المنصورية الواقعة فى بلدة شیراز فى يوم السبت لعشرين خلون من ربيع الاول سنة ۹۵۷.

عبارت انجامة اخير البته خود مشکلات خاصی دارد و آن تصريح به زنده بودن غياث الدين منصور دشتکی در سال ۹۵۷ است، با اين حال اکنون پرسش قابل طرح اين است که نسخه اخير به خط مؤلف است يا توسط کاتبی در بعد کتابت شده و انجامة اخير توسط کاتب دوم بازنویسی شده است؟ آن چه که می تواند ما را در پاسخ به اين پرسش راهنمایی کند، دو نکته است: نخست در مجموعه دستور دانشگاه تهران به شماره ۲۱۴۴ نمونه دست خط محمد بن علی

جبائی هست و مقایسه دودست خط می تواند در صحت اصالت خط دواثر که هر دو به خط جبائی است به ما کمک کند. نکته بعدی کتابت عدد چهار به صورت عدد پنج است و در حقیقت تاریخ کتاب نسخه برخلاف آن چه که در آغاز نشان می دهد ۹۴۷ است و شکل اخیر یکی از موارد کتابت عدد ۴ به صورتی است که به راحتی با عدد ۵ اشتباه می شود.

این نکته را باید متذکر شوم که معاصر با محمد بن علی جبائی، عالم دیگری از اهالی جبل عامل به نام محمد بن علی حیانی -منسوب به روستای بنی حیان- در قید حیات بوده که مدتی در نجف سکونت داشته و از شاگردان شهید ثانی بوده و زمانی که قصد سفر به ایران داشته، شهید ثانی برای او به شخصی در مشهد، توصیه نامه و معرفی نامه ای نوشته است. این مطلب که شخص اخیر نباید با محمد بن علی جبائی یکی باشد بر اساس قصیده ای است که از حیانی باقی مانده که در آن جا به هویت خود و تعلقش به شام یعنی جبل عامل - اشاره کرده در حالی که از اشاره محمد بن علی حیانی دانسته است که او از اهالی جبل عامل نبوده است (برای تفصیل مطلب بنگرید به: مستدرکات/عیان الشیعة، ج ۲، ص ۱۲۳-۱۲۴؛/عیان الشیعة، ج ۱، ص ۱۷۷، ج ۵، ص ۹۲، ج ۷، ص ۱۴۳، ج ۹، ص ۲۶۹-۲۷۱).

تکمله

در مراجعه به کتابخانه بزرگ آیت الله مرعشی و رؤیت نسخه ۱۲۸۳۶ از کتاب تحریر الاحکام به چند مطلب برخورد کردم که تذکر آن ها سودمند است. نخست آن که نسخه اخیر مشتمل بر کتاب النکاح تا پایان جزء دوم کتاب است و جزء سوم کتاب که مشتمل بر مباحث ایقاعات است در مجلد دیگری از کتاب بوده که اکنون از سرنوشت آن اطلاعی نداریم (در برگ ۱۷۹ نسخه انجامة نسخه ذکر شده است؛ «تم الجزء الثانی من کتاب تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة محمد الله تعالی و منه علی ید مصنفه حسن بن یوسف بن مطهر فی مستهل جمادی الآخرة سنة احدى وسبعین وسبعمائة و... یتلوه فی الجزء الثالث... فی الایقاعات... و فرغ من تعلیقه لنفسه عبد الله بن مسیب المسلمی فی جزین اللیلة الثامنة من شهر الله الاصب سنة ثمانمئة واربعة وستین هجرية...»). در برگ ۱۲۴ الف ب انہائات و اجازاتی آمده که تصویر برگ ۱۲۴ ب در فهرست نسخه های خطی، جلد ۳۲، صفحه ۱۱۳۴ آمده است. نسخه همان گونه که در اجازه محمد بن محمد بن مؤذن جزینی به علی بن عبدالعالی میسی آمده، دارای حواشی از محمد بن مؤذن است که با علامت م در سراسر نسخه ذکر شده است

که بسیار بااهمیت است. در اجازه‌ای که در برگ ۱۲۴ ب آمده و متن آن در پاورقی نقل شده، شخص مجیز خود را محمد بن حسام معرفی کرده است؛ وی ظهیرالدین محمد بن زین الدین علی بن حسام ظهیری عینائی است که عماد بن علی جرجانی در ۸۶۱ به او اجازه داده و خود وی از پدرش زین الدین علی بن حسام از برادرش جعفر بن حسام از حسن بن نجم الدین از شهید اول اجازه روایت داشته است (طبقات/اعلام الشیعة: الضیاء اللامع فى القرن التاسع، ص ۱۲۶-۱۲۷). از اعقاب ظهیرالدین محمد، شیخ حسین بن حسن بن یونس ابن یوسف بن ظهیرالدین محمد بن زین الدین علی بن حسام ظهیری عاملی عینائی رامی شناسیم که استاد شیخ حر عاملی بوده و به وی در ۱۰۵۱ اجازه داده و محمد امین استرآبادی جوابات المسائل الفهریة را در پاسخ به او نوشته است (بنگرید به: الذریعة، ج ۵، ص ۲۲۷). سلسله نسبى که آمده مشخص کننده این است که ظهیرالدین محمد دست کم فرزندی به نام یوسف داشته است. ظهیرالدین محمد، برادری به نام حسین داشته است که آقابرگ مطالبی که درباره وی یافته را در طبقات/اعلام الشیعة: الضیاء اللامع فى القرن التاسع، ص ۴۹ آورده است. در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مجموعه طباطبائی، نسخه‌ای از تحریر الاحکام به شماره ۲۳۳ (معرفی شده در فهرست، ج ۲۴، ص ۱۶۴-۱۶۵) که در آخرین برگ آن انهایی به قلم حسین بن علی بن حسام در ۸۸۵ به برادر زاده اش که به احتمال قوی همین یوسف بن ظهیرالدین محمد باشد، داده است (انهاه أیده الله تعالى قراءة وفهماً وضبطاً وفقه الله وایانا لمراضیه واعانه وایانا علی امتثال اوامره... نواهیة وذلک فى مجالس متعددة آخرها نهار الثلاثاء لثلاث لیال لن بقین من شهر صفر ختم بالخیر والظفر من شهور سنة سبع وثمانین وثمانائة هجرية علی مشرفها السلام وکتب احقر عباد الله تعالى عمه حسین بن علی بن الحسام حامداً مصلیاً مسلماً مستغفراً). در هر حال مطلب جالب توجه این است که اکنون تصویر دست خط هر دو برادر یعنی ظهیرالدین محمد و حسین بن حسام عاملی عینائی را در اختیار داریم. نسخه اخیر نیز از روی نسخه مرعشی کتابت شده است. نسخه مرعشی به گواهی محمد بن مؤذن از روی نسخه اصل کتابت شده است.

نکته دیگر آن که نسخه مجلس از کتاب الطهارة آغاز شده و تا پایان جزء دوم کتاب تحریر الاحکام و آغاز کتاب ایقاعات که در جزء دوم کتاب قرار داشته، خاتمه می یابد.^۱ درباره

۱. اطلاعات اندکی درباره اجداد خاندان آل حسام وجود دارد. حسام جد اعلای خاندان دو پسر به نام های

ظهیرالدین محمد بن علی بن حسام نسخه ای از کتاب *نهایة الاحکام* علامه حلی در کتابخانه مجلس به شماره ۹۰۲۸ موجود است که علی بن عبدالعزیز استرآبادی از کتابت جزء اول آن در روز شنبه اوایل ذی الحجة ۸۶۰ فراغت حاصل کرده و ظاهراً همو نسخه را نزد ابن حسام خوانده و انهایی از ابن حسام در برگ ۱۲۰ ب نسخه آمده که چنین است:

«انهاه ایده الله تعالی بعنایتیه ووقفه للخیر و ملازمة طاعته قرأة مهذبة مرضیة تشهد بفضله و تدل علی نبلة فی مجالس متعددة آخرها عاشر شهر رمضان المعظم قدره سنة اثنتين وستين وثمان مائة وكتب العبد الفقير الى الله تعالی محمد بن علی بن حسام عفی الله عنهم حامداً مصلیاً مستغفراً و الحمد لله وحده و صلی الله علی نبیه و علی آله و صحبه و سلم»^۱.

جعفر و علی داشته است. جعفر بن حسام از مشایخ مهم شیعه در عیناها بوده که از نجم الدین حسن بن ایوب اطراوی اجازه روایت داشته است. از وی برادرش، زین الدین علی بن حسام و علی بن محمد بن دقاق روایت کرده اند (بنگرید به: آقابزرگ، طبقات اعلام الشیعة: الضیاء اللامع، ص ۷۸-۷۹، ۹۲). درباره فرزندان جعفر اطلاع خاصی در دست نیست اما برادرزاده های وی یعنی ظهیرالدین محمد (زنده در ۸۵۲) و عزالدین حسین (زنده در ۱۳ رجب ۸۷۳) از فقهای برجسته ساکن در عیناها بوده اند. جعفر بن علی بن محمد بن حسام عینائی در روز دوشنبه ۲۱ رجب ۸۶۴ از کتابت بخشی از ابتدای کتاب قواعد الاحکام علامه حلی فراغت حاصل کرده است. نسخه اخیر به شماره ۳۳ در کتابخانه مدرسه جعفریه قائن موجود است و تصویری از آن نیز در مرکز احیاء میراث اسلامی ایران (فهرست نسخه های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۵، ص ۱۶۴) نگهداری می شود. نسخه اخیر ظاهراً در اختیار شیخ بهایی بوده است. در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۲۲۷۶ نسخه ای کامل از تحریر الاحکام وجود دارد که باید از همان نسخه در اختیار ظهیرالدین محمد بن علی بن حسام کتابت شده باشد. کتابت نسخه را عماد بن علی جرجانی در ۱۲ صفر ۸۶۰ به پایان برده و سپس کتاب را بر ظهیرالدین محمد بن علی بن حسام عینائی خوانده و از وی در ۷ ربیع الثانی ۸۶۱ اجازه ای گرفته است (انهاه آدام الله توفیقه و سهل إلى سعادة الدارين طریقه قراءة مهذبة مرضیة قراءة بحث و تدقیق و كشف و تحقیق فی مجالس متعددة آخرها ۷ ربیع الثانی سنة ۸۶۱). بنگرید به: السید عبدالعزیز الطباطبائی، مکتبة العلامة الحلی، ص ۸۷، ۸۹. ابن فهد حلی (متوفی ۸۴۱) المسائل الشامیة الاولى خود را در پاسخ به پرسش های ظهیرالدین محمد بن حسام عاملی نگاشته است. بنگرید به: سید حسین مدرسی طباطبائی، مقدمه ای بر فقه شیعه، ص ۱۵۵.

۱. برای معرفی نسخه نهایة الاحکام بنگرید به: سید محمد حسین حکیم، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران، ۱۳۹۰ش)، ج ۲۹، بخش ۲، ص ۶۴۲-۶۴۳. علی بن عبدالعزیز استرآبادی همچنین نسخه ای از قواعد الاحکام علامه حلی را کتابت کرده که مجلد اول آن تا آخر احکام وصیت به شماره ۱۱۶۳ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. در صفحه آخر بلاغ مقابله و اجازه محمد بن علی بن الحسام به تاریخ دوشنبه آخر ربیع الثانی ۸۶۴ به شیخ عزالدین حسین بن محسن آمده است (اجزت للشیخ حسین بن

نکته جالب توجه تشابه دست خط نسخه‌هاى ۹۰۲۸ و ۲۳۳ طباطبائى است و مى‌توان گفت که کاتب نسخه طباطبائى نیز ظاهراً على بن عبدالعزيز استرآبادى است. شواهد اخير نشانگر آن است که جبل عامل پيش از ظهور صفويان مرکزيت علمى قابل توجهى يافته بود و به دليل حضور فقيهان برجسته در آنجا، برخى عالمان شيعه براى تحصيل به آنجا سفر مى‌کرده اند که شواهد تاريخى ديگرى نيز براى تأييد اين مطلب وجود دارد.

يکى از عالمان کمتر شناخته شده جبل عاملى، شخصى است به نام محمد سميطارى که نام وى به صورت هاى ذکر شده در بحار الانوار (ج ۱۰۴، ص ۲۸)، طبقات اعلام الشيعة: الضياء اللامع فى القرن التاسع، ص ۱۲۳ (منبع بحار مجموعه جباعى بوده و مرحوم آقا بزرگ نيز از بحار آن رانقل کرده)؛ محمد المطارى (طبقات اعلام الشيعة: الضياء اللامع، ص ۱۳۱-۱۳۲) و يا شمسطارى آمده است. با اين حال مراجعه به اصل نسخه جباعى نشانگر آن است که نام اخير ظاهراً اگر نسخه را درست خوانده باشم، سمسطارى است. شخص اخير نواده دختری شمس الدين محمد بن عبدالعالي بن نجدة کرکى (متوفى ۸۰۸) است که در مجموعه جباعى تاريخ درگذشت او شب آخر صفر (سرار صفر) ۸۷۴ ذکر شده است. درباره او دانسته است که على بن تاج الدين بن فضل الله انصارى نسخه اى از کتاب ايضاح الفوائد فخر المحققين را در شب سه شنبه ۸۷۰ در روستاى کرک نوح کتابت کرده و گفته که وى نسخه اخير را در مدرسه شيخ الاسلام شيخ محمد شمسطارى (که ظاهراً بايد آن را شمسطارى يا شميطارى خواند) کتابت کرده است. بنگريد به: فهرست گوهر شاد، ج ۴، ص ۱۹۰۱). شميطارى دو سال قبل از وفات خود، به سيد عز الدين حسين بن نور الدين على حسيني که نسخه اى از کتاب الدروس شهيد اول را در کرک نوح در تاريخ روز يکشنبه ۲۳ رجب ۸۷۱ کتابت کرده، اجازه اى داده که متن آن را آقا بزرگ در طبقات اعلام الشيعة، الضياء اللامع، ص ۴۸-۴۸ و بندهاى از آن را در همان کتاب صفحه ۱۳۱-۱۳۲ آورده است. بر اساس اجازه اخير شميطارى از شاگردان و مجازان از

محسن دام ظلّه ان بيروى جميع ما... هذا الكتاب من النقل فقد صح عندى فليرو ذلك لمن شاء واجزت فهو لذلك اهل و كتب العبد الفقير الى الله تعالى محمد بن على بن الحسام عفا الله عنهم بنه و كرمه و ذلك اليلتين لن بقيتا من شهر ربيع ثانى سنة اربع و ستين و ثمانائة). به احتمال قوى نسخه اخير از جمله آثار كتابخانه شهيد ثانى بوده است. تصوير آغاز و انجام نسخه در بخش تصاوير آمده است. توصيف آن بنگريد به: سيد احمد حسيني، فهرست نسخه هاى خطى كتابخانه عمومى حضرت آية الله العظمى نجفى مرعشى، ج ۳، ص ۳۳۷-۳۳۸؛ السيد عبدالعزيز الطباطبائى، مكتبة العلامة الحلى، ص ۱۴۹.



حسن بن عشره کسروانی بوده است. مرحوم آقا بزرگ در چند جا شرح حال محمد بن احمد بن محمد شمیطاری را در طبقات اعلام الشيعة (الضياء اللامع) آورده است از جمله در صفحه ۱۳۱ و نسبت او را المطاری خوانده و بیان کرده اند که شاید شهرت مطاری اشاره به مطیر آباد / مطار آباد از نواحی اطراف حله داشته باشد که با توجه به قرائت صحیح نام وی یعنی شمیطاری و اینکه وی نواده ابن نجده کرکی است، گفته اخیر که به واسطه قرائت شهرت او به مطاری آمده، غی تواند صحیح باشد. آقابزرگ در ادامه شرح حال اخیر اشاره به اجازه داده شده از سوی شمیطاری به حسین بن علی سبزواری حسینی کرده که در آن وی خود را از نوادگان ابن نجده معرفی کرده بر این اساس گمان می کنم که مطالب گفته شده درباره مطیر آبادی بودن شمیطاری از اضافات مرحوم منزوی باشد. در خصوص تاریخ درگذشت ابن نجده آقابزرگ مطلبی را که جماعی در مجموعه خود آورده و در بخش اجازات بحار الانوار نیز نقل شده آورده است. تعبیر سرار صفر به معنی شب آخر ماه صفر است که در متن طبقات به واسطه خطای چاپی سرآ آمده است. مراجعه به نسخه خطی طبقات اعلام الشيعة نشان داد که مرحوم منزوی در عبارت آقا بزرگ دخل و تصرفی کرده است؛ عبارت آقا بزرگ چنین است: «الشیخ محمد بن احمد بن محمد المطاری کما یقرأ خطه ولعلها من محال کرک»، بر این اساس عبارت: «ولعله نسبة الی مطیر آباد (مطار آباد) من نواحی الحلة و اهلها اکراد» از اضافات مرحوم منزوی است و به دلیل ناآشنایی ایشان با ابن نجده است چرا که آقا بزرگ به درستی به این مطلب توجه داشته که ابن نجده از عالمان کرک نوح است.^۱ در کتابخانه آیت الله مرعشی، نسخه ای از کتاب التتقیح الرائع لمختصر الشرایع فاضل مقداد سیوری (متوفی ۸۲۶) وجود دارد (شماره ۳۵۶۶) که سید حسین بن سید مرتضی ابراهیم حسینی ساروی از کتابت جلد اول آن را در روز چهارشنبه ۲۲ صفر ۸۶۷ فراغت حاصل کرده و کتابت جلد دوم آن را در روز پنجشنبه ۸ ربیع الثانی ۸۶۷ به پایان رسانده است. درباره محل کتابت نسخه اطلاعی در نسخه نیامده است. در پایان جلد اول، محمد بن احمد الشمیطاری که کاتب نسخه رانزد او خوانده، اجازه

۱. موارد دخل و تصرف های مرحوم منزوی در طبقات فراوان است، به عنوان مثال در احیاء الدائر من القرن العاشر، ص ۸-۹ و در شرح حال مقدس اردبیلی، دو سوم عبارت آمده در شرح حال ایشان از اضافات مرحوم منزوی است و عبارت مرحوم آقا بزرگ در پایان عبارت ألفها باسم ولده أبی الصلاح تقی الدین محمد، پایان می یابد و تمام عبارت آمده در ادامه مطلب از اضافات منزوی است.

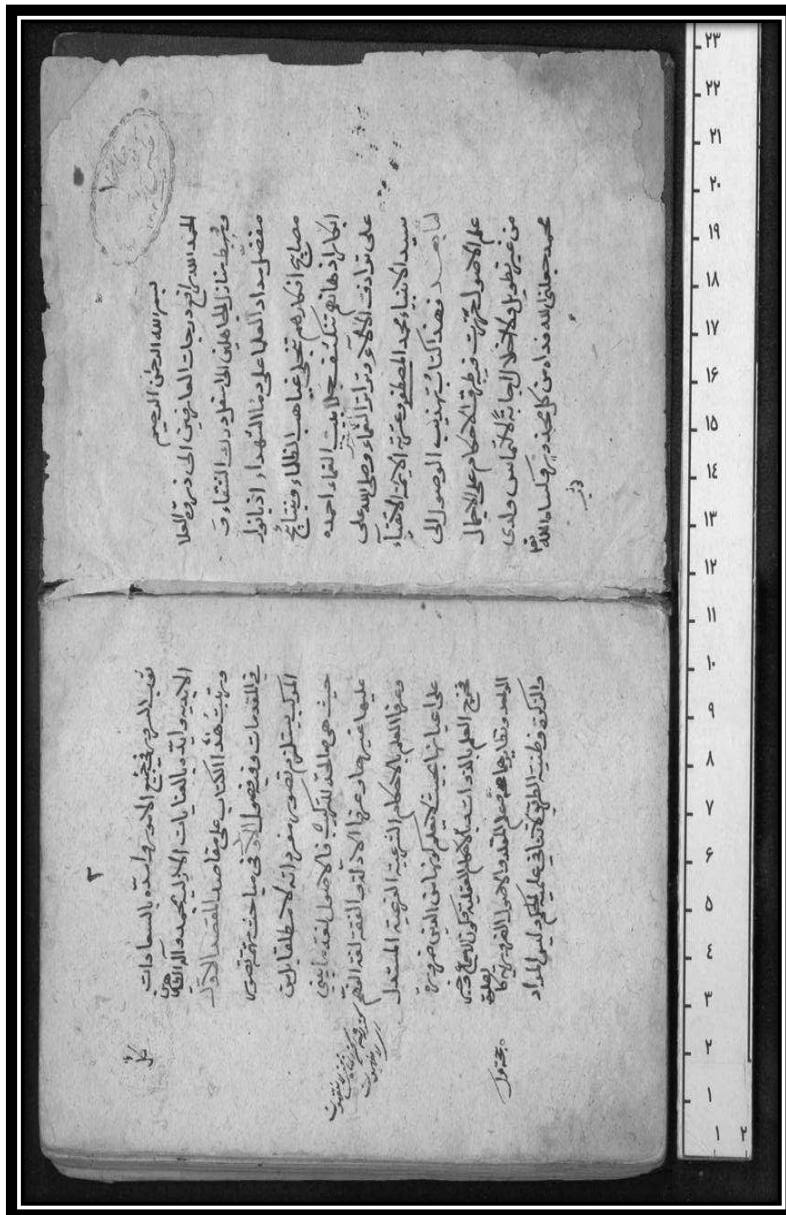
روایتى در انجاء جلد اول برای کاتب نوشته است که متن آن در حاشیه اندکی بریدگی دارد و تا آنجا که می توان آن را خواند، چنین است:

«قرأ على مولانا الإمام الأعظم العالم العلامة صاحب النفس القدسية والأخلاق المرضية السيد الحسين بن السيد مرتضى .. السارى منشأ ومولداً كتاب التنقيح الرائع المختصر من تصانيف شيخنا وامامنا ابى عبد الله المقداد السيورى تغمده الله برحمته واسكنه اعلا غرف جنته من اوله الى (آخره؟) قراءة مرضية تشهد بفضلته و... مزيد علمه و سأل فى اثنائها عما اشكل عليه معضلاته و... من ترداده فأجبت عن ذلك بحسب جهدى وطاقتى وقد ... له اطلال الله ايامه رواية هذا الكتاب ... عنى عن الشيخ الفاضل المرحوم زين الدين .. الزاهد عن المصنف فليرو ذلك لمن شاء وأحب سالكاً طريق الاحبة... لذلك وكتب أضعف العباد ... الخائف من هول يوم التناد ... محمد بن احمد الشميطارى».

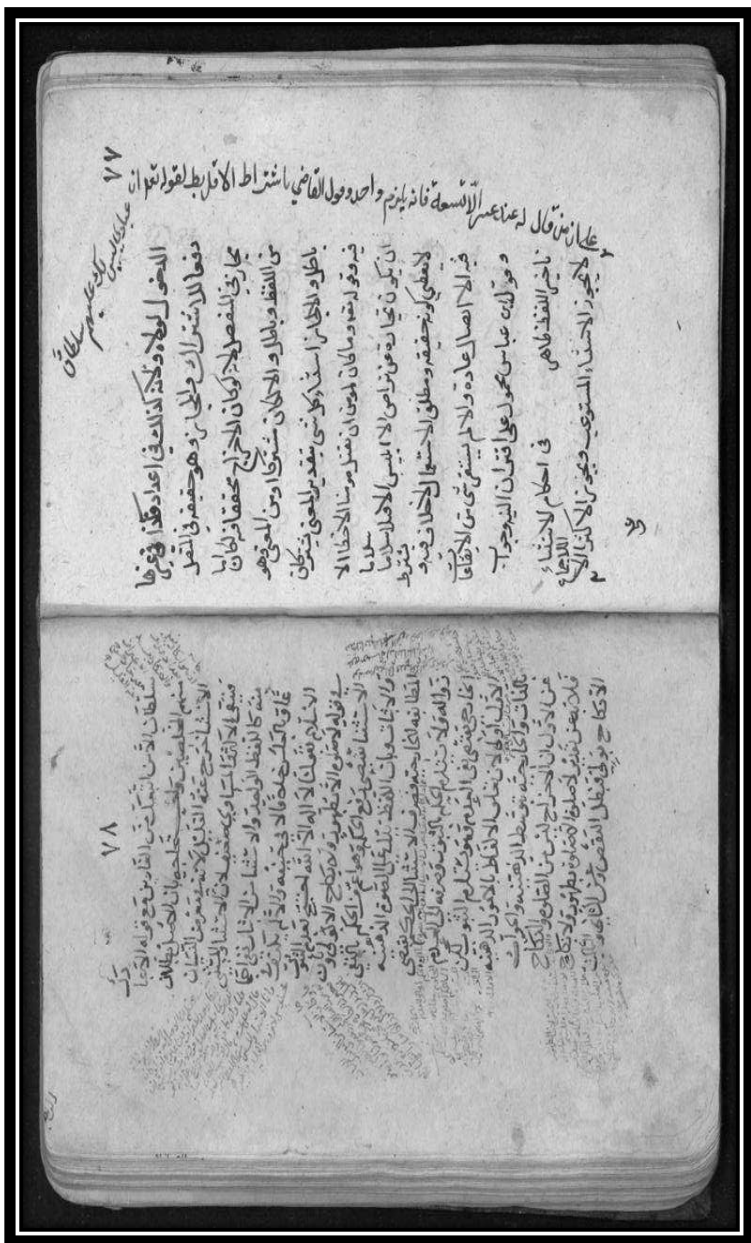
انهاء و اجازة اخير که به خط خود شمیطارى است، جای تردیدى باقى نغی گذارد که باید حرف نخست نام او را شین خواند، چرا که اولاً به وضوح در نسخه به صورت شین کتابت شده و دیگر آنکه در نسخه جباعى نیز به صورت سین بدون علامتى که حرف مذکور را نباید شین خواند، آمده که نشان می دهد در آنجا نیز باید حرف مذکور را شین خواند. در پایان جلد دوم شمیطارى، بلاغ انهاء دیگرى نیز برای به تاریخ نیمه رمضان ۸۶۹ نوشته است.^۱



۱. تصاویر نسبتاً واضحی از انجاءه هاى نسخه التنقيح با دست خط شمیطارى در فهرست نسخه هاى خطى کتابخانه آیت الله مرعشى، ج ۹، تصاویر ۱۴۱، ۱۴۲ و ۱۴۳ آمده است. توصیف کوتاهی از نسخه نیز در همان مجلد، صفحه ۳۵۴ آمده و توصیف مفصلترى را نیز دوست گرامى آقای حافظیان در فهرست نسخه هاى عکسى کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمى مرعشى نجفى، ج ۳، ص ۵۹۶-۵۹۸ آورده است.



(تصویر شماره ۱)

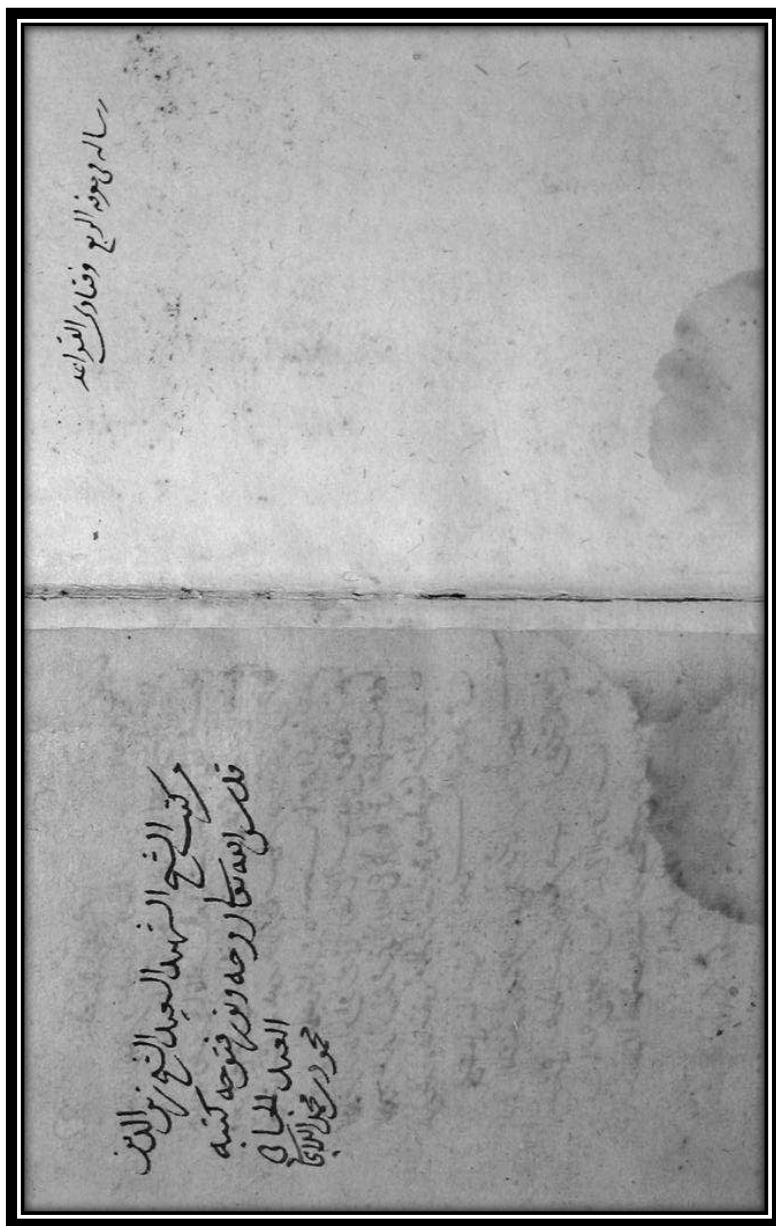


(تصوير شماره ۲)

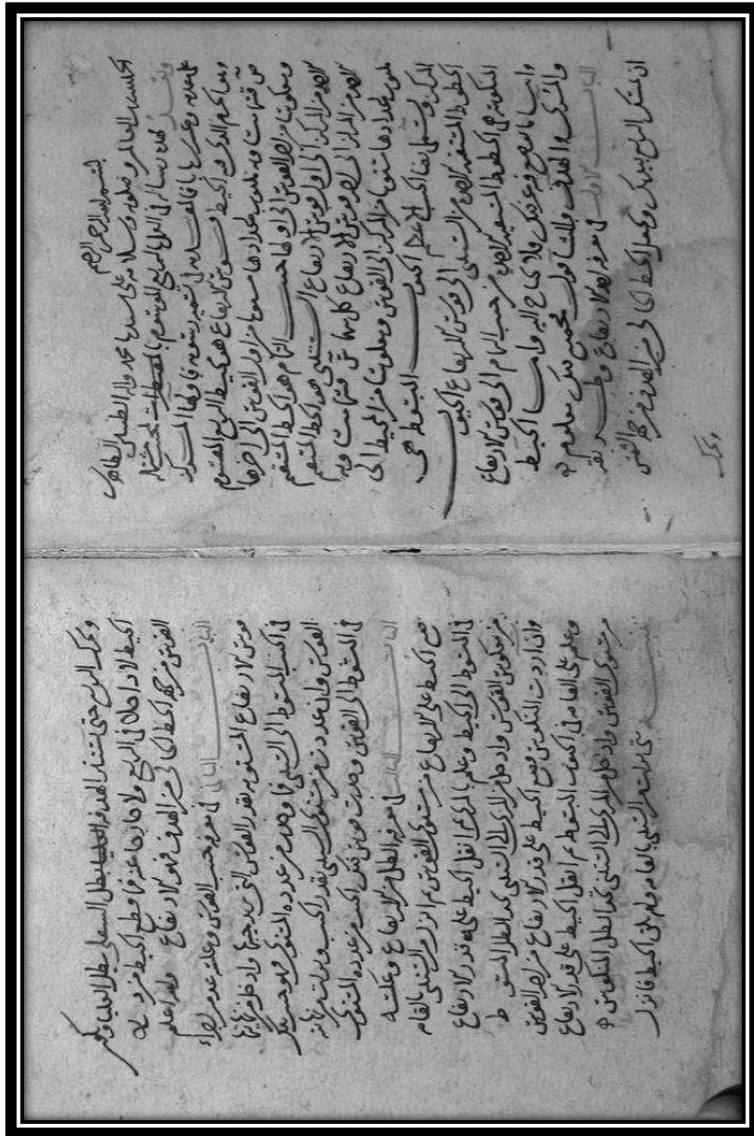


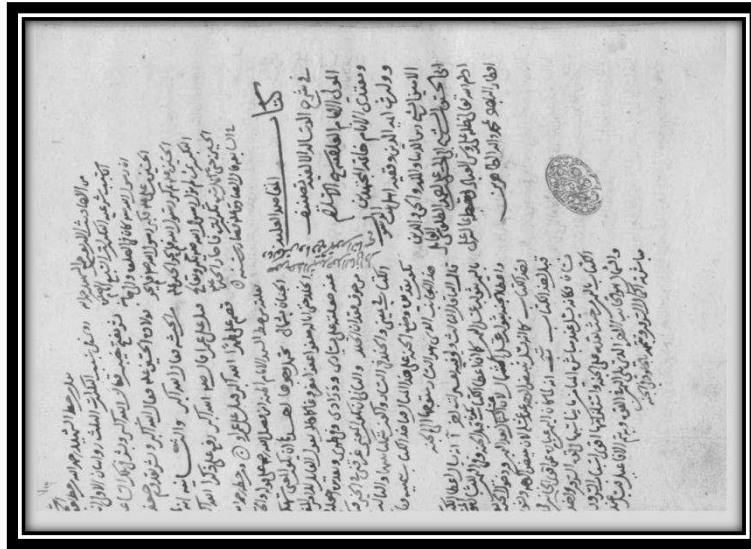


(تصویر شماره ٣)

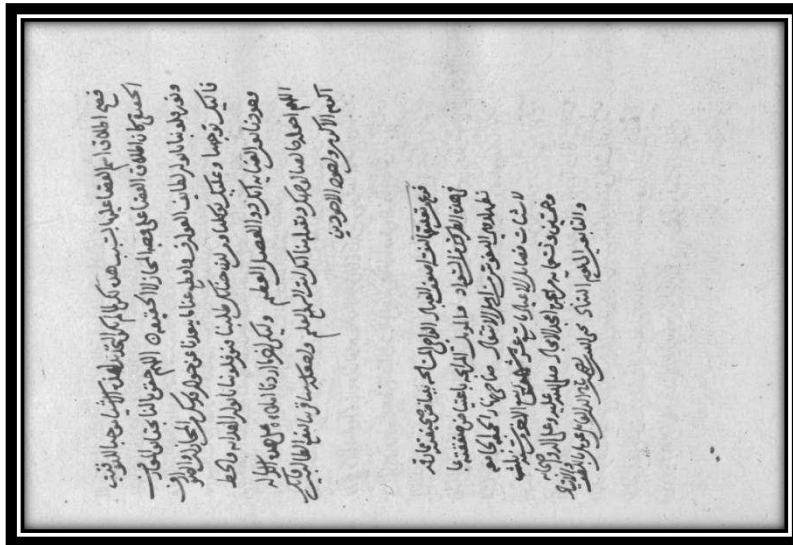


(تصویر شماره ۴)





(تصویر شماره ۸)

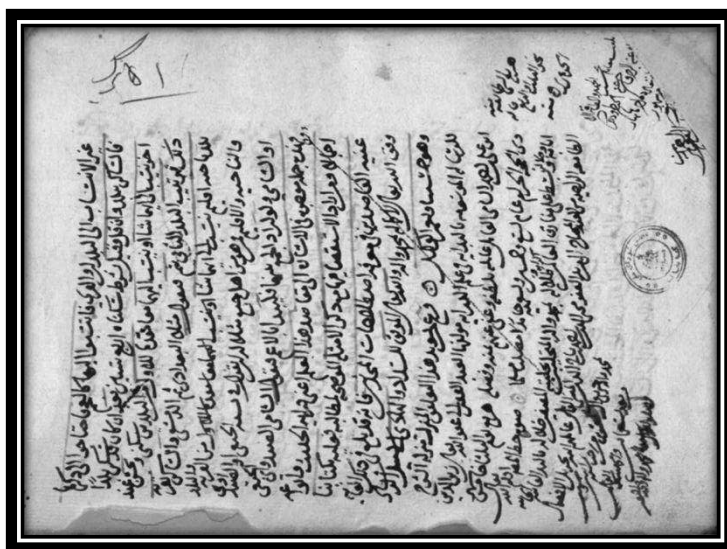


(تصویر شماره ۹)

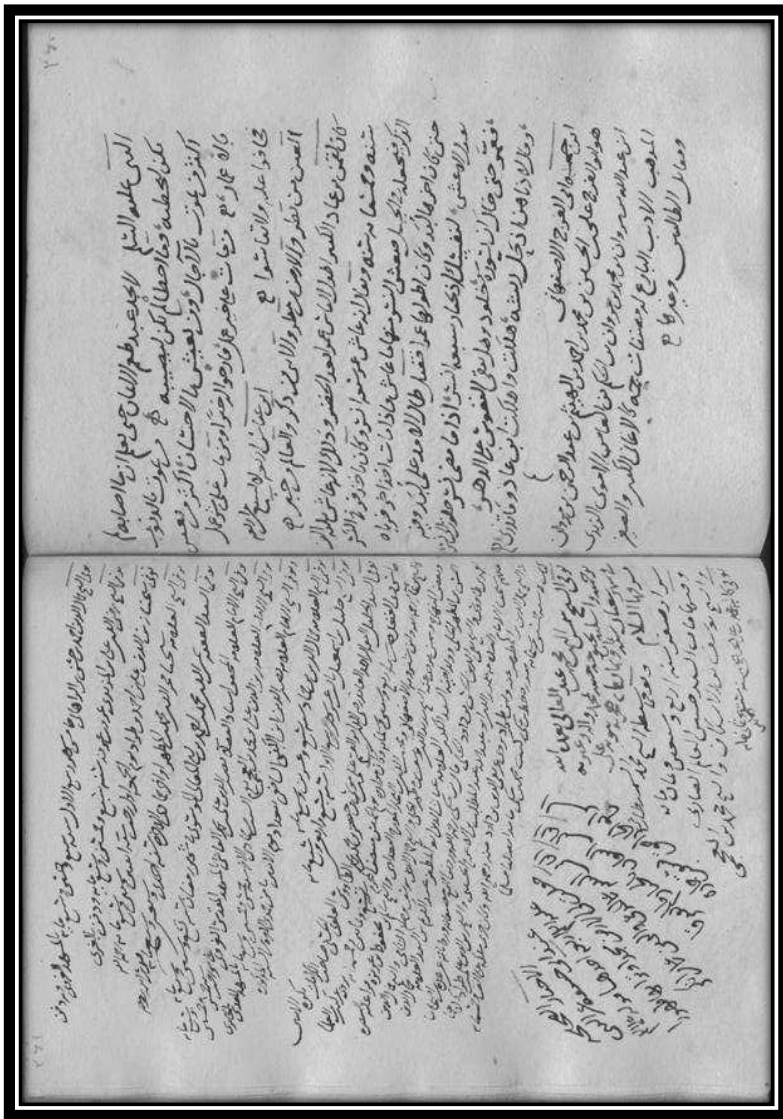




(تصویر شماره ۱۰)



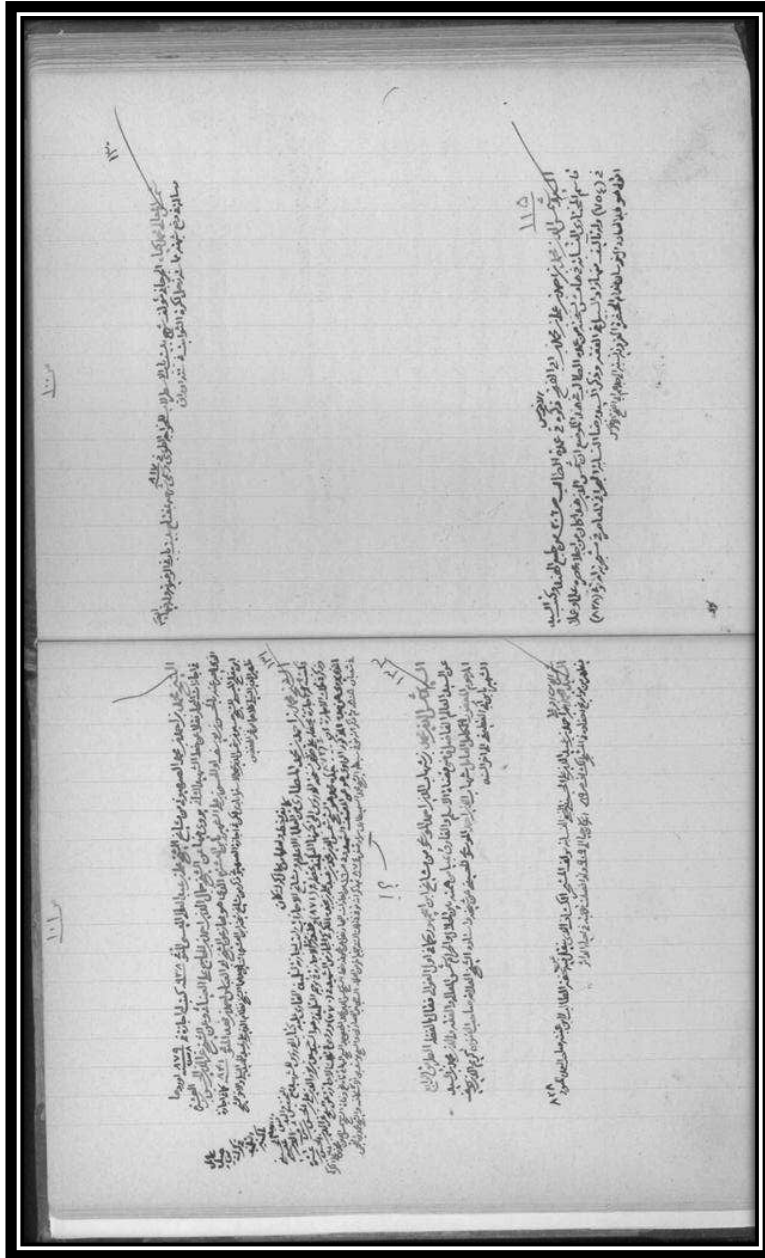
(تصویر شماره ۱۱)

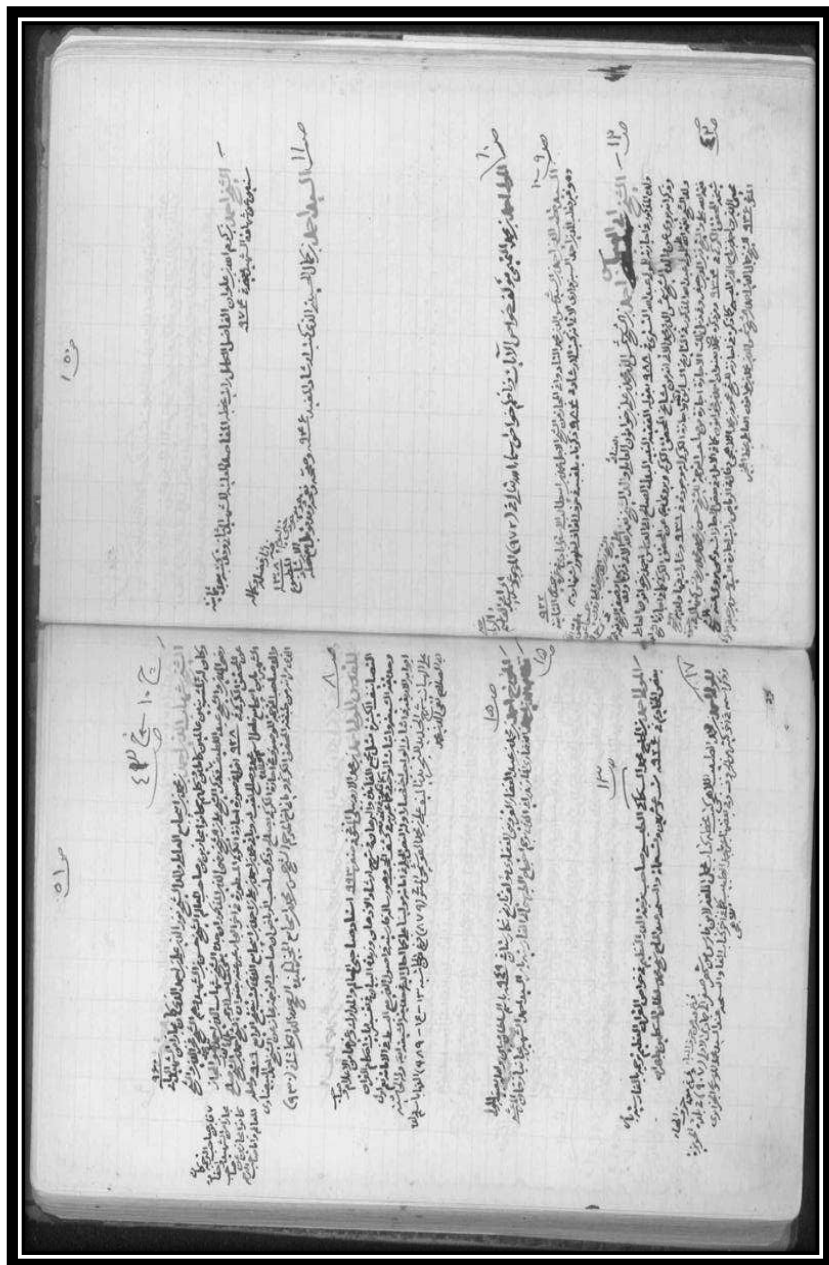


كانت القصة اذ امر صاحب المصيبة بالانضمام الى مجلس المشورة يومين اوله والآخر ابن ابراهيم لانه تراءى
وكان غير صاحب المصيبة غزيرين ارسال الطرف العامة واجتمعوا في قبة الشريعة في الاب والابن والابن
والوجه عند كجوان لان الصادق علم الامامات اسمعيل عليه السلام وغيره من اولاده وقال علم ينبغي لصاحب
المصيبة ان يضع رآؤه حتى يعلم ان امرنا صاحب المصيبة وقد مضى وضع الرأى عن مصيبة الغيرة في كمال صلاح
فظام لاهل البيت يعجب به اهل اجماعنا عايناهم وجبروا على العلمهم وانهم مشتغلون بنصايم والواردين اليهم
فلا صلاح لعلم لانهم ولما جازعهم علم قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا جفعة طعنا ما فاقوا فداهاهم امر
شغلهم وقال الصادق علم ما قبل جعفر ام رسول الله صلى الله عليه وسلم ان تاتي امر بنت جعفر فساها وان تضع اليهم
طعنا لما في حجرته بذلك السنة استجب زيارة الغائب لمقوله علم كتبته لكم عن زيارة الغيور فورا
فانها تدرك الموت وقال الرضا علم في قبر اخيه المؤمن عن في ناحية نصبه وقال انه انما التاسع مرات
الصلوة في الاكبر والآخر كذلك لنا لان قاطره عليها السلام كانت في قبور الشهداء في غداة كل صلاة في
قبر حجة وتقرع عليه وتسبحه لله ثم تحكي الاديان في كل يوم من هذه الاعمال على يد من يوفى الله ما عمل في الدنيا

انها امة للسوا غنائه على عبد الوالد الماني فارج افترسه
ووصفهم ومنهم طاعنه
لما هذبه مرضه شهيد
بفضله ونزل على بنده في حاله
متعدده اخرها عاشر شهر رمضان
الحظ قد مر منه اربع واربعمائة
وك انعم الله للسوا بحسن عاقلهم
عفا الله عن ما قد اخطا مستغفرا
والله اعلم بالصواب وتعالى عما يشركون







(تصویر شماره ۱۵)

توضیحات مربوط به تصاویر:

۱. آغاز نسخه تهذیب الاحکام مجموعه طباطبائی به شماره ۱۱۵۸ موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی. نسخه که زمانی در جبل عامل بوده، در عصر صفویه به اصفهان منتقل شده و کاتبی نیمه نخست کتاب را که ناقص بوده از روی نسخه ای دیگر کتابت کرده و به نسخه ملحق کرده است.

۲. تصویر اخیر، به وضوح تفاوت دو خط و کهنگی دو بخش نسخه را نشان می دهد. بخش کهنه نسخه که در مجلس درس عمیدالدین عبدالمطلب اعرج حسینی، خواهرزاده علامه حلی (متوفی ۷۲۶) براو خوانده شده، مشحون از حواشی است که باید در ضمن درس توسط ابن اعرج حسینی در توضیح مطالب علامه حلی بیان شده باشد. در هر حال حواشی مذکور که توسط ابن حسام عاملی کتابت شده، نمونه ای ارزشمند از سنت تعلیقه نویسی در مجلس درس استاد است و از جمله تراث ارزشمند باقی مانده از حوزه حله و جبل عامل است.

۳. صفحه انجام نسخه که در آن ابن حسام به کتابت نسخه و قرائت آن نزد ابن عمید تصریح کرده است. در کنار انجامه، عبارت انهایی دیده می شود که از حیث خط و تعبیر با انجامه های شناخته شده از شهید ثانی نزدیکی بسیاری دارد (برای نمونه انهائات و دست خط شهید ثانی بنگرید به: رسائل الشهيد الثانی، ج ۲، ص ۱۱۶۶-۱۱۷۷).

۴. توضیح ملا محمود لاهیجانی در تعلق نسخه به شهید ثانی. محمد بن محمد بن بدرالدین سبط ماردینی (متوفی ۹۰۷) نویسنده رساله فی معرفة الربع است که کتابش در قرن دهم متنی درسی بوده است. در آغاز نسخه یادداشتی این گونه آمده است: «من كتب الشيخ الشهيد السعيد الشيخ زين الدين قدس الله تعالى روحه ونور فتوحه كتبه العبد الجاني محمود بن محمد اللاهجاني»، که همان شاگرد معروف شهید ثانی است. در معرفی دو کتاب آمده در نسخه اخیر گفته شده که رساله فی معرفة الربع و فتاوی القواعد است.

۵. برگ اول نسخه رساله فی معرفة الربع که حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی آن را کتابت کرده است. دست خط اخیر با دیگر دست خط های شناخته شده از حسین بن عبدالصمد تطابق دارد.

۶. تمام نسخه به خط حسين بن عبدالصمد است و درپايان رسالۀ اول آمده است: «علقها لنفسه فقير رحمة ربه الغنى حسين بن عبدالصمد الجباعى الحارثى الهمدانى... ووقع الفراغ وقت الزوال يوم الجمعة لثلاثة بقيت من رمضان المعظم قدوة سنة ٩٤٣ فى المدرسة الخواجكية الشهائية فى القاهرة المعزية فى ايام الهجرة الميمونة». عبارت اخير اهميت فراوانى دارد و نشانگر آن است كه حسين بن عبدالصمد و به احتمال قوى شهيد ثانى در مدرسه خواجكيه هنگام اقامت در قاهره سكونت داشته‌اند. شهيد ثانى خود در ضمن شرح حال خود نوشتش كه ابن العودى در ضمن بغية المريد آورده، به تفصيل از استادانش در قاهره سخن گفته اما اشاره‌اى به نام مدرسه‌اى كه در آن سكونت داشته، نكرده است. اطلاع اخير از اين جهت اهميت فراوانى دارد.
۷. دست خط محيى الدين ميسى در پايان رساله‌اى كه وى در مشهد و درباره احكام صداق نگاشته است.
۸. دست خط محيى الدين ميسى در آغاز مقاصد العلية.
۹. انجامة مقاصد العلية به خط محيى الدين ميسى.
۱۰. آغاز كتاب البداية فى علم الدراية شهيد ثانى به خط محيى الدين ميسى. فرصت مقابله دقيق نسخه حاضر را با متن منتشر شده كتاب (قم، ۱۴۲۳) رانداشتم اما آغاز نسخه با متن چاپى تفاوت‌هاى دارد. به دليل قدمت و اصالت نسخه حاضر شايسته است تا در چاپ‌هاى بعدى، از نسخه حاضر به عنوان اساس تصحيح كتاب مجدداً استفاده شود.
۱۱. برگ پايانى كتاب البداية فى علم الدراية شهيد ثانى به خط محيى الدين ميسى كه بلاغ مقابله‌اى نيز دارد.
۱۲. برگى از مجموعه جباعى به شماره ۶۰۴ موجود در كتابخانه ملك كه در آن تاريخ درگذشت برخى فقيهان از جمله شيخ محمد شميظارى ذكر شده است.
۱۳. برگ ۱۲۰ ب از كتاب نهاية الاحكام با انهاء محمد بن على بن حسام موجود در كتابخانه مجلس به شماره ۹۰۲۸.
۱۴. تصوير برگى از طبقات اعلام الشيعة: الضياء اللامع كه در آن شرح حال شيخ محمد سمسطارى آمده است.
۱۵. تصوير برگى از طبقات اعلام الشيعة: احياء الدائر كه در آن شرح حال مقدس اردبيلي آمده است.



کتابخانہ بزرگ آیت اللہ العظمیٰ مرعشی نجفی منتشر کردہ است

